

## مقایسه‌ی تشبیه و استعاره در شعر دو شاعر لر زبان

سودابه کشاورزی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات دانشگاه یاسوج)

چکیده:

شاعر برای ابلاغ و بیان مفاهیم ذهنی خویش صورتی برمی‌گزیند و به شیوه‌های مختلف آن را تعبیر می‌کند بی‌گمان ذهن شاعر که از محسوسات مختلف تلقین و تالیفی به عمل می‌آورد و در ادای معانی آن مدد می‌جوید تحت تاثیر محیط و مشهودات خویش است و هنر هر سرزمین زمانی می‌تواند بومی باشد که بوی آب و خاک و عواطف سرزمین خود بدهد.

با توجه به اینکه غرابت و ابتذال تشبیه و استعارات شاعران زمانی مشخص می‌شود که تشبیهات و استعارات شاعران هر منطقه با منطقه‌ی خود مقایسه شود در این پژوهش تشبیه و استعاره در شعر لری « احمد انصاری فهلیانی» و «مجید نگین تاجی» که هر دو در شهرستان نورآباد ممسنی رشد یافته‌اند نتیجه‌ی این جستجو ۲۸۱ تشبیه ( بدون در نظر گرفتن تشبیهات تکراری)، ۱۳۲ استعاره مصرّحه و ۱۹۰ استعاره‌ی مکنیه در اشعار لری انصاری فهلیانی تشبیه، استعاره مصرّحه و استعاره مکنیه در اشعار نگین تاجی است.

با وجود آنکه بسیاری از مشبه‌ها و مستعارله‌ها در شعر دو شاعر مذکور مشابه است اما جز در مواردی نادر، در بقیه موارد دارای مشبه‌به‌ها و مستعارمنه‌های متفاوت هستند در تشبیهات و استعارات انصاری فهلیانی طرح و تصویر محیط و منطقه‌ی بومی بیشتر دیده می‌شود و از رنگ محلی بیشتری برخوردار است. کلید واژه: استعاره، تشبیه، انصاری فهلیانی، نگین تاجی، محلی

## مقدمه

موضوع این مقاله مقایسه‌ی تشبیه و استعاره در اشعار لری احمد انصاری فهلیانی و مجید نگین تاجی است که هر دو در شهرتان نورآباد ممسنی رشد یافته اند.

انصاری فهلیانی در فصلنامه فراسو بدین صورت خود را معرفی کرده است:

«احمد انصاری فهلیانی هستم، متولد سال ۱۳۴۳ مدرک تحصیلی لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه شیراز هم اکنون کارمند دانشگاه یاسوج هستم از قبل از سال ۱۳۶۹ علاقه‌ی بسیار زیادی به شعر شاعران نامدار زبان و ادبیات فارسی داشته‌ام به گونه‌ای که شعر اکثر قریب به اتفاق شاعران بزرگ زبان فارسی مانند حافظ، سعدی، مولوی، فردوسی، نظامی گنجوی و غزلیات سبک هندی از جمله غزلیات بیدل و صایب تبریزی را در آن سالها مطالعه و حتی به حافظه می‌سپردم ضمن اینکه شعر امروز را نیز به صورت وسیع مطالعه نمودم اخوان را دوست داشته و با اشعارش زندگی می‌کردم و اندیشه‌هایش را در راستای اندیشه‌های خود می‌دیدم اولین سروده‌هایم همزمان با ورود به دانشگاه در سال ۱۳۶۹ و قرار گرفتن در فضای دلنشین باغ ارم خواجه، حافظیه و سعدیه بود» (چهره‌هی موفق شهرستان ممسنی [www.mamasani1.bloga.com](http://www.mamasani1.bloga.com))

«مجید نگین تاجی در شهریور ۱۳۴۶ در روستای گوراب، از روستای شهرستان رستم دیده به دنیا باز کرد و تصیلات و فعالیت‌های ایشان: فوق دیپلم عربی از مرکز تربیت معلم، لسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شیراز، فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد و دو سال تدریس در شبه قاره‌ی هند.

مجید نگین تاجی شاعر لحظه‌ها و لهجه‌های شیرین لری که به خوبی از ریزه کاری‌های شعری آگاهی دارد و احساس‌های لطیف و عاطفی که شاعری و شاعریت خاص خود را می‌طلبد در قوالب زیبا بیان می‌کند.»

(کاملترین وبلاگ شعر لری [www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa](http://www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa))

در این مقاله ابتدا انواع استعارات و تشبیهات شعر نگین تاجی و انصاری فهلیانی به گویش لری سروده‌اند مشخص می‌کنیم و سپس مشبه‌به و مستعارمنه در تشبیهات و استعاراتی که دارای مشبه و مستعارله یکسان هستند را با هم مقایسه می‌کنیم. و سپس چنانچه انصاری فهلیانی در مصاحبه به فصلنامه فراسو گفته‌اند «مهم-ترین دلیل ضعف کیفیت اشعار لری در بینش شعرای لر زبان است شاعر لر بهید لری بیندیشد و بومی فکر کند شعر او نماینده لری او باشد و نه صرفاً ترجمه‌ی تحت الفظی در کالبد کلمات لری باش» (وبلاگ لرنشریه‌ی

مردم [www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa](http://www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa))

مشخص می‌کنیم کدام شاعر در تشبیهات و استعارات خود از عناصر بومی بیشتری استفاده کرده است.

تشبیه در شعر لری انصاری فهلیانی:

« تشبیه عبارتست از مانند نمودن چیزی به چیزی در معنایی با ادواتی خاص، به عبارت دیگر بیان مشارکت دو چیز در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص» (رجایی، ۱۳۷۹: ۲۴۴)

با بررسی دقیق اشعار لری انصاری فهلیانی ۲۸۱ تشبیه (بدون در نظر گرفتن تشبیهات تکراری) یافته‌ایم که ۱۳۵ تشبیه حسی به حسی، ۱۴۵ تشبیه عقلی به حسی، ۱ تشبیه عقلی به عقلی، ۶۹ تشبیه مقید به مقید، ۹۸ تشبیه مفرد به مفرد، ۲۳ تشبیه مرکب به مرکب، ۴۴ تشبیه مقید به مقید، ۴۵ تشبیه مفرد به مقید، ۱ تشبیه مقید به مفرد، ۱ تشبیه مفرد به مرکب، ۶ تشبیه تفضیل، ۱۰۸ اضافه تشبیهی، ۷۶ تشبیه بلیغ غیر اضافی، ۶۰ تشبیه مرسل مجمل، ۳۶ تشبیه مرسل مفصل، ۱ تشبیه موکد،

نمونه‌های انواع تشبیه در اشعار انصاری فهلیانی:

#### الف) تشبیه حسی به حسی

چتر ایندازه وَ رِی دشت وَ نو گل کره دژ  
گل کره دز (محسوس) به چتر (محسوس) تشبیه شده است.

زیر هر سقف ردآبی نه پسندیدش وَ ره  
تهر بزرگ تو به طاقی نکه پیدا دل مؤ  
بزرگ (محسوس) به طاق (محسوس) تشبیه شده است.

#### ب) تشبیه عقلی به حسی:

دار دوسی نه علم کردی وَ رفتی یولا  
دوسی (معقول) است به دار (محسوس) تشبیه شده است.

#### ج) تشبیه عقلی به عقلی:

دَم دَقّه نی تَرُم ای گل که دِل دِلِی نَکنم  
عشق (معقول) به غم (معقول) است تشبیه شده است.

#### ر) تشبیه مفرد به مفرد:

اوشم دل کشته‌ی داس وانبو  
دل (مفرد) به اوشم (مفرد) تشبیه شده است.

#### د) تشبیه مقید به مقید:

آسمون دل مؤ شرتو شرتو ویبو  
سینه‌ی یخزده (مقید) به دشت بر افتو (مقید) تشبیه شده است.

ض) تشبیه مفرد به مرکب:

شُونَه شیر دا رَه نَه سی صُب واز کِرِد اوسو مِث بلبِل وَ رِی گل ناز کِرِد  
با توجه به شناسه دوّم شخص مفرد در فعل «کرد» مشبه «او» و مفرد است و بلبلی که بر گل ناز میکند مشبه‌به و مرکب است.

ط) تشبیه مرکب به مرکب:

دَلْم ایلرزه جلو پی تو وَ من ریشه همیشه مِث یه بید شلالی که نَهی باد شمال  
دَلْم ایلرزه جلو پی تو وَ من ریشه همیشه مشبه(مرکب) یه بی شلالی که نَهی باد شمال مشبه‌به (مرکب)  
است.س) تشبیه مفرد به مقید:

چاله‌ی بی تُنگ وُ تَشْم، بی تو اصلا نَه خَشْم کی بَلَدِه که چی کَشْم، بی تو غَزوُنم شو وُ رو  
شناسه‌ی «م» در «تشم» مشبه(مفرد) و «چاله‌ی بی تنگ و تش» مشبه‌به(مرکب) است.

ش) تشبیه مقید به مفرد:

دل مُو اگر هیچ نَه اهل جَرِه هر کلمه‌ی شعر مُو چی شَشپَرِه  
«هر کلمه‌ی شعر مو» مشبه(مقید) و «ششپره» مشبه‌به (مفرد) است.

ع) تشبیه مرسل مجمل:

خِش وُ تیغ دو دم بوشیه وُ یه اسپ سفید مِث تَش برق اییا یکه سواره به خدا  
ادات تشبیه «مت» وجه شبه ذکر نشده است.

غ) مرسل مفصل:

نُونم اصلا کینم گِرد حواسم پَرته عینهو ماهی زهری شو وُ رو مَنگ دلم  
مشبه «دلم»، مشبه‌به «ماهی زهری»، ادات «عینهو»، وجه شبه «مَنگ بودن».

ع) تشبیه موکد:

تو دریایی و مو تپ او شلویم چه اندازه مُو تی تو کُشکلویم  
شاعر معشوق رابه دریا و خود را تپ(قطره‌ی آب گل آلود) تشبیه کرده است.

ف) تشبیه بلیغ اضافی:

زده تیر غمت کرده یه جونم خور واییده مغز هس خونم  
غم به تیر تشبیه شده است.

ق) تشبیه بلیغ غیر اضافی:

یه عمری مو بره‌ی بندی تو بیدم و صحرا و علوفش دل بریدم  
شاعر خود را به بره‌ی بندی تشبیه کرده است.

ک) تشبیه تفضیل:

قدّ و بالای تو شکله سر و زلف تو بُوره  
ماه کامل بزَنه تی تو هنی کم نُوره  
معشوق را در زیباتر از ماه کامل دانسته است.

ل) تشبیهات بدیع:

لطف تشبیه غرابت و دوری از ابتدال است و بسیاری از تجارب زندگی و زمینه‌های عقیدتی در ساخت تشبیه موثر است تشبیهات شعر انصاری فهلیانی به دلیل مشبه‌به‌های نادر بدیع و نو به شمار می‌رود و تا حدودی بیانگر زمینه‌های فکری و هنری اوست و به طرز واضحی تصویرگر زندگی سنتی و ایلی است نمونه‌هایی از این قبیل عبارتند از:

پَریشون زلفِ زالتِ ستاره‌ی آسمون خالت  
تَش عشقه پر و بَالت غزل وصف تیل کالت  
خال معشوق در جلوه‌گری وزیا بودن به ستاره‌ی آسمون تشبیه شده است.

زلزلی غشق تو حونه‌ی دلمه رُمنّا نازلی  
مُنذمه ویلون و سرگردونِ تنها نازلی  
عشق در ویرانگری به زلزله تشبیه شده است  
مخمل زلف شالالت که گِرو بُرده و شو  
یه بغلشه ایشَهه بهلی سر شون دل مو  
زلف شلال معشوق در لطافت و نرمی به مخمل تشبیه شده است.

تو دریایی و مو تپ اُ شلویم  
چه اندازه مو تی تو کُشکلویم  
تشبیه محبوب به دریا و خود در برابر او به قطره‌ی آب گل آلود.

برویمون من صحرا نفسی تازه کنیم  
و ترازین خطر غیرت اندازه کنیم  
خطر به خاطر اینکه غیرت آدمی را می‌سنجد به ترازین (ترازو) نشبیه شده است.

هی قد بکشی مِث مِث و مِث روز بخندی  
تا هر که بوینت نگو اینگار و پندی  
بلند بودن قد به مخ تشبیه شده در حالی که در شعر اکثر شعر به سرو تشبیه شده است.

مردم آبادی‌ام بی گردین  
مِث زمین جفت رُو اُ بُردین

شاعر مردم آبادی را در بی‌جراتی و کم‌توانی به زمین کنار رودخانه تشبیه کرده که قابل کشت نیست و بی‌ثمر است.

یه بِلنگِشتی من قصر هوا پیدا نی  
خشک و ابیده و بُن ریشه‌ی اُفتو و درک

هوا به قصر تشبیه شده است.

خَرَدِه مِث زلف تو سوزی همه لَت با مِین یِک پیچسه بُو خَش باوینَه وُ نَعنا مِین یِک

شاعر پیچیدن زلف معشوق در هم را به پیچیدن سبزه‌ها در هم تشبیه کرده است.

نَه مَجنُونُم نَه فَرهاڈُم پَریکی خَشک مِین باڈُم برس ای گل وَ فَریاڈُم وَ لُو خنده‌ی بُکن شادُم

شاعر خود را به پریک خشک (برگ خشک) در مقابل باد تشبیه کرده است.

سِی چَه ایتَهَر یَهُو پَشک وُ پَر واییدیت که وَ مِث کهنه‌ی چیتی وَ ولِ ایبیت تَلیش

شاعر بخاطر اینکه اطرافیان‌ش به آسانی از هم پراکنده شده‌ند آنان را به پارچه‌ی چیت که به آسانی پاره می‌شود

تشبیه کرده است.

وَقْت گُلگَشته وُ بیکار نِشَهسَن ننگه دل وَ دریای علفزار نَبهسن ننگه

شاعر علفزار را به خاطر وسعت و فراوانی‌اش به دریا تشبیه کرده است.

**تشبیه در اشعار لری نگیں تاجی:**

با بررسی دقیق اشعار لری نگیں تاجی ۱۲۹ تشبیه (بدون در نظر گرفتن تشبیهات تکراری) یافته‌ایم که ۳۸ مفرد

محسوس به مفرد محسوس، ۴۷ مفرد معقول به مفرد محسوس، ۴ مقید معقول به مفرد محسوس، ۴ مفرد

محسوس به مقید محسوس، ۴ مقید محسوس به مفرد محسوس، ۵ مفرد معقول به مفرد محسوس، ۱ مفرد معقول

به مفرد معقول، ۲ مقید محسوس به مقید محسوس، ۳ مفرد محسوس به مفرد معقول ۲ مقید معقول به مقید

معقول، ۳ تشبیه مرسل مجمل، ۵۳ تشبیه بلیغ غیر اضافی، ۶۵ اضافه تشبیهی و ۷ تشبیه تفضیل.

**مفرد محسوس به مفرد محسوس:**

مُو هَم طاقَت نیارم دیرتِ آبوم صدقی بُرگ مِث شمشیرتِ آبوم

برگ مفرد محسوس به شمشیر که مفرد محسوس است تشبیه شده است.

**مفرد محسوس به مفرد معقول:**

تا تو بیدی هیچ تهمت بر سیاوش نی نِشَهس هیچ تیری مِث تیر عشق آرش نی نِشَهس

تیر مفرد محسوس تشبیه شده به عشق که مفرد معقول است.

**مفرد معقول به مفرد معقول:**

تو خُتِ دونی نَه مُرده‌ی اُ و نونم غَم عشق تو بی که ایکه غَزونم

غم مفرد معقول به عشق که مفرد معقول است تشبیه شده است.

**مفرد معقول به مفرد محسوس:**

رِمسون برفا بَرُم کرد و کُشتم      یه تُرَبه‌ی شرمساری بَهِس و پشتم

شرمساری مفرد معقول به تربه که مفرد محسوس است تشبیه شده است

مقید محسوس به مقید محسوس:

تیل کالت دو تا کاسه‌ی عسل بی      کَمون بُرگت ضرب‌المثل بی

تیل کالت مقید محسوس به کاسه‌ی عسل مقید محسوس است تشبیه شده است.

مقید محسوس به مفرد محسوس:

تا تو بیدی هَر شِکالی بی دلم خُو ایگره      هَر پَسین کَهله تیم گل بچه آهو ایگره

تیم مقید محسوس به کَهله (سنگری که برای به دام انداختن شکار می‌ساختند) مفرد محسوس است تشبیه شده است.

مقید معقول به مفرد محسوس:

بید مجنون دهس سینه‌ی چشمه ایزه تا سحر      مرغ عشقم شو و شو تا پشت مالت ایزه پر

عشقم مقید معقول به مرغ که مفرد محسوس است تشبیه شده است.

مقید معقول به مقید محسوس:

درخت سوز عشقمون که دم تَوَر جونش گره      تَجَه‌ی دوباره ایزنه میوه‌ی دوباره ایکنه

عشقمون مقید معقول به درخت سوز مقید محسوس است تشبیه شده است.

اضافه‌ی تشبیه‌ی:

مُو هم بنده‌ی توئم بهسه‌ی دعائم      پُرون غیرتم بهسه‌ی قَضایه

غیرت به پرون (نوعی تفنگ) بصورت اضافی تشبیه شده است.

تشبیه مرسل مجمل:

مو هم طاق‌نیارم دیرت آبوم      صدقی بُرگ مٹ شمشیرت آبوم

ادات بدون وجه شبه ذکر شده است.

تشبیه بلیغ غیر اضافی:

تیل کالت دو تا کاسه‌ی عسل بی      کَمون بُرگت ضرب‌المثل بی

تیل کال به کاسه‌ی عسل تشبیه شده است.

تشبیهات بدیع در شعر نگین تاجی:

مَثِ مَشَقِّ دَبِسْتَانِی خَطْمِ زِی  
خَوْتَمِ اَمَلَا گِرْهَتِی خُوْتِ غَلَطْمِ زِی  
شاعر خود را به مشق دبستانی تشبیه کرده است که معشوق او را عاشق کرده است و سپس او را طرد کرده است.

ایبی تا گل گُنه پیوار بختم  
دوباره سایه بندازه درختم  
شاعر بخت خود را به پیوار (علف خشک) تشبیه کرده است.

تو که هیکل یلون ایل شعری  
شعر به ایل و زمبیل تشبیه شده است  
گل هفزرده‌ی زمبیل شعری

وَ تِیغِ مَثْنَوِی رَگَمِ اَبْرَمِ تا  
وَ رِی کاغذ بریزم خونم امشو  
مثنوی به تیغ تشبیه شده است شاعر می‌خواهی بگوید با سرودن و به پایان رساندن شعرم من هم جان می‌دهم .

و تشبیه غیرت به پرون، شرمساری به تره، چشم به سیب، تیه به کهله و...

استعاره در اشعار لری انصاری فهلیانی:

«استعاره در لغت مصدر باب استفعال است، یعنی عاریه خواستن لغتی به جای لغتی دیگر» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۸۰)  
جرجانی در اسرار البلاغه می‌گوید: «استعاره این است که در هنگام وضع لغت، اصلی شناخته شده داشته باشد و شواهدی دلالت کند که به هنگام وضع بدان معنی اطلاق می‌شده پس شاعر و غیر شاعر این واژه را در غیر معنی اصل به کار گیرد و این معنی را به آن لفظ منتقل سازد که نخست لازم نبوده مشابه عاریت است» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۷)

با توجه به تقسیم بندی نویسندگی معالِم البلاغه و نیز شمیسا معروفترین اقسام استعاره دو قسم است:

۱- استعاره مصرّحه که به آن استعاره‌ی تحقیقیه و استعاره محقّقه و تصریحیه و نیز استعاره‌ی نوع اول گفته می‌شود. و آن استعاره‌ای است که فقط مشبه‌به در کلام آورده می‌شود و منظور گوینده مشبه‌به می‌باشد با توجه به گفته‌ی شمیسا استعاره مصرّحه همیشه حسی است.

۲- استعاره مکنیه یا بالکنایه یا استعاره نوع دوم: و آن استعاره‌ای است که متکلم در نفس خود چیزی را به چیزی تشبیه کند و از ارکان آن فقط مشبه را ذکر کند ولی از لوازم مشبه‌به قرینه‌ای در لفظ بیاورد که دلیل بر مشبه‌به باشد.

ب) انواع استعاره نوع اول:

۱- استعاره مجرده ۲- استعاره مطلقه ۳- استعاره مرشّحه



با بررسی اشعار لری انصاری فهلیانی روشن می شود که کاربرد استعاره بسیار چشمگیر و قابل توجه است. چنانچه ۳۲۲ مورد استعاره به کار رفته که از این تعداد ۱۲۲ استعاره‌ی مصرحّه و ۱۹۰ مورد آن استعاره‌ی مکنیه می باشد.

در اشعار محلی انصاری فهلیانی عناصر استعاره اغلب عناصری مادی است و در حوزه‌ی محسوسات است و اگر هم در حوزه‌ی معقولات باشد عناصر عاطفی و احساسی می باشد. استعاره‌های مصرحّه‌ی آن به دو گروه تقسیم می شود:

۱- استعاره‌هایی که بخاطر کاربرد مستمر و فراوان دیگران در زبان ادبی، حالت ثابت و تکراری پیدا کرده‌اند: زریاتی مچّه‌ی خُلْ نَظْرِي نَدَخْتِي رفتی و پس سَرْتَمِ گل نظری نَدَخْتِي «گل» مستعارمنه و «معشوق» مستعارله محذوف است.

که البته گاهی انصاری با همراه کردن عناصر متضاد و یا با ایجاد تناسب بین کلمات، استعاره را از حالت ثابت و تکراری بودن خارج کرده است. مثل:

وَسَرِّ حَدِّ نِیروم اینگا اسیری بلالم کِرْدِي گل گرمسیری

در این بیت «گل گرمسیری» استعاره از «معشوق» است و بین «سرحد» و «گرمسیر» تضاد وجود دارد و بین «گل گرمسیری» و «بلال کردن» نیز تناسب هست زیرا «گل گرمسیری» در مناطق گرم می‌روید و لازمه‌ی بلال کردن نیز آتش و حرارت دادن است.

بی تو زر سایه‌ی بیدی نَبَشَهْسُمِ دل و هر چشمه‌ی بی چشمه نَبَهْسُمِ ای گل «گل» مستعارمنه و محبوب مستعارله محذوف شاعر با آوردن (بید و چشمه و گل) که هر سه ممکن است در یک جا وجود داشته باشند تصویری زیبا آفریده است.

۲- استعاراتی که تکراری و ثابت نیستند:

طیفون زردی اُمشو مِن سینه جون گُرْفته از نو دل غریبم رنگ خزون گُرْفته

«طیفون زرد» مستعارمنه و مستعارله محذوف غم و اندوه است و تناسبی بین رنگ زرد درختان در فصل پاییز ایجاد کرده است.

نَفْسُمِ بی تو گرفتاره و مِن کنج قفس تو نَخِي کوچّه و زندون غم ایّم آزاد

«قفس» مستعارمنه و «سینه» مستعارله محذوف است.

زیر تغرس تِكِسُمِ مِن غمِ عشقت پِكِسُمِ بَسکه و دینت جِكِسُمِ کِرْدِه نِشونم شو و رو

«تغرس» مستعارمنه و مستعارله محذوف عشق به محبوب است.

وَر دل خوِبو سرکت خشک خشکابیدنه  
کهره‌ی دل گُسنشایدِه مَشیلم کوچنی؟  
«مشیل» یعنی علفزار شاعر دل خود را به کهره (بره) تشبیه کرده و مشیل را استعاره از معشوق دانسته است  
همانطور که کهره‌ی گرسنه طالب مشیل (علف) است من هم طالب معشوقم.  
حکم نمرودی تَشُم زه جونم اومه کنج لوم دم مسیحایی ول آیی نی خلیلم کوچنی  
«خلیل» مستعارمنه و محبوب مستعارله محذوف است.  
۱۱۲ مورد از استعارات اشعار لری انصاری فهلیانی استعاره‌ی مصرحّه‌ی مجردّه و ۱۰ مورد استعاره‌ی مطلقه  
است.

نمونه‌هایی از استعاره‌ی مصرحّه‌ی مجردّه:  
اسم تو واییده گلم ورد زبونم شو و رو سی تو تشی بُر ایکنم بی هس خونم شو و رو  
«گل» مستعارمنه و محبوب مستعارله محذوف «ورد زبونم» ملائمت مستعارله است.  
خهک مرده پیشکندن نِصپ شو سر دشت دل خنده‌ی اوریشمه و بافی چویلم کوچنی؟  
«بافی چویل» مستعارمنه و محبوب مستعارله محذوف و شناسه «ی» در کلمه‌ی «کوچنی» ملائمت مستعارله  
است.

اریخم گپ بزئم تش در اییا من دهنم تش بی دیدی که اندخته فلک من جونم  
«تش» مستعارمنه و ملائمت مستعارله محذوف «دهن» است.  
نمونه‌هایی از استعاره‌ی مصرحّه‌ی مطلقه:  
و نظرم هم که نیاری هنیام و نظرم بختره هر سکه وسیم زری، خاک تیم  
«خاک تیم» مستعارمنه و ملائمت‌اش «نظر» و ملائمت‌های مستعارله محذوف شناسه «ی» در کلمه «روزی»  
است.

در استعارات مصرحّه‌ی اشعار انصاری فهلیانی بیشتر مستعارله‌های محذوف معشوق و محبوب شاعر است.  
در شعر انصاری فهلیانی ۱۹۰ مورد استعاره‌ی مکینه است که ۸۴ مورد آن به صورت اضافه‌ی استعاری است.  
نمونه‌هایی از اضافه‌ی استعاری:

زر گوش هوا چک بزین  
مستعارله «هوا» و ملائمت‌های مستعارمنه محذوف «گوش» است.  
یه شو بند دل مو پاره وایی کموتر عشق مو آواره وایی  
«دل» مستعارله و ملائمت‌های مستعارمنه محذوف «بند» است.

بگیمون و بخندیم دو تایی که ریشی غم بسوزه من دل شو  
«غم» مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «ریشه» است.

نمونه‌هایی از استعاره‌ی مکنیه‌ی غیر اضافی:

سی کشتن دل مُو هر کس نشون کشیده سی کن فلک چطوری سی مُو کمون کشیده  
«فلک» مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «کمون کشیدن» است.

گُه و نُو شو کمر ایبندِه و حکم ایرونه آرزو دیدن آفتو و دِلت ایمونه  
«شب» مستعارله و «کمر بستن» ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف است.

استعاره مکنیه اشعار انصاری فهلیانی به دو دسته تقسیم می‌شود:

-استعاره‌هایی که به علت کاربرد فراوان و مستمر حالت تکرار پیدا کرده‌اند مثل:

نُمُنده جی دَ سی سرسا عزیزم مَکُن دل دل که من دل پا نهادی «دل»  
مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف پا نهادن است دل به مکانی که بشود با پا وارد آن شد تشبیه شده  
است.  
-۲

دسته‌ی دیگر استعاراتی هستند که دارای نو آوری هستند، مانند:

ساعت سرما که تیک تیک ایکنه دار مُخ من ریشه چیک چیک ایکنه  
مستعارله دار «مخ» و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «چیک چیک» که صدای جوجه است هنگامی که از تخم  
بیرون می‌آید.

تا برویمون جادّه باور کنیم درس باید رفت خوب از ور کنیم  
«جاده» مستعارله و ملائمت مستعارمنه محذوف «باور کنیم» است زیرا جاده را باور نمی‌کنند بلکه مطلب را باور  
می‌کنند.

شیون و شروه و ماتم من یک با خرده رنگ و ری خنده نه نی بینی سر لو ودرک  
مستعارله «شیون و شروه و ماتم» و مستعارمنه محذوف چیزی که قابلیت پیچیدن در هم را داشته باشد.

دور پی جاده مپیچیت مپ مار و هفی یعنی ایطوری سر هر خطه چمبر مزیت  
مستعارله «جاده» و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «پا» است.

دل وری تا بریمون دو تامون ره دیاره ایایه نهادون  
مستعارله «ره» و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «ایایه نهادون» است

چشمه‌ی سرد و زلالی که قشنگ ایخنده تش عشقه که و من سینه‌ی سنگ ایزنه غُل

شاعر جوشش چشمه را به خاطر عشقی که دردل سنگ است می داند، «سنگ» مستعارله و «سینه» ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف است.

استعاره در شعر لری نگین تاجی:

با بررسی اشعار لری نگین تاجی روشن می شود که کاربرد استعاره بسیار چشمگیر و قابل توجه است. چنانچه ۲۰۰ مورد استعاره به کار رفته که از این تعداد ۴۰ استعاره‌ی مصرخه و ۱۳۰ مورد آن استعاره‌ی مکنیه می باشد ۲۹ مورد از استعارات اشعار لری نگین تاجی استعاره‌ی مصرخه‌ی مجرد و ۱۱ مورد استعاره‌ی مطلقه است. در شعر نگین تاجی ۷۰ مورد استعاره‌ی مکنیه است که ۶۰ مورد آن به صورت اضافه‌ی استعاری است.

استعاره‌ی مصرحه‌ی مجرد:

مُو خُو بندیر تو ویسامه، دو جونم ده مکن  
تیلیم! کشته‌ی ای درد گروم ده مکن  
تیلیم مستعارمنه و ملائمه‌ی مستعارله محذوف «دو جونم ده مکن» است.

استعاره‌ی مصرحه‌ی مطلقه:

تا تو بیدی هر شکالی بی دلم خُو ایگره  
هر پسین کهله تیم گل بچه آهو ایگره  
بچه آهو مستعار منه و ملائمه‌اش کهله و شکال (آهو) و ملائمه‌ی مستعارله محذوف دل است.  
استعاره‌ی مکنیه غیر اضافی:

بید مجنون پلش ایششت زر اور بهار  
تیل باغ بُر ایکه و قد بالا گل نار  
بید مجنون مستعار له و ملائمه‌ی مستعار منه محذوف پل است.  
استعاره مکنیه اضافی:

نفس عشقه جُون اییه و زندی هممون  
نفس عشق تَبُوَه اجلت نییه امون  
عشق مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف نفس است.

در شعر نگین تاجی استعاره‌هایی که حالت ثابت و تکراری داشته باشند به ندرت یافت می شود و اکثر استعارات غریب و نو هستند:  
تکراری و ثابت:

غم آورده من ای دل حونه کرده  
د نیسازه زمین بی حال زارم  
غم مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف (حونه کردن) است.  
ای تا گل کُنه پیوار بختم  
دوباره سایه بندازه درختم  
درخت مستعارمنه و مستعارله محذوف «عمر» است.

استعارات بدیع و غریب:

نهایم پشت سر باغ و وَ نُو جَا وَمَ بِي مِن بَال خَرَسْت

خرس(اشک) مستعارله م و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف بال است.

غزل بیو شاید اجل پُر کرده بوهه کَفی تقدیر نامیزونم امشو

تقدیر مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف کفه است.

مشبه‌به‌های اشعار انصاری و نگین تاجی:

با توجه به اینکه درک دقیق مشبه‌به و مستعارله ، جهان‌بینی ، شخصیت و محیط هنرمند را برای ما ترسیم می‌کند و از آن می‌توان به دنیای درونی و بیرونی نویسنده و شاعر پی برد. در این پژوهش مشبه‌به‌های دو شاعر برای مشبه یکسان مورد بررسی قرار می‌دهیم ضمناً در شعر هر دو شاعر مشبه مستعارله برگرفته از عناصر بومی نیست.

در اشعار انصاری ۹۱ بار واژه‌ی « دل » و در شعر نگین تاجی ۲۵ بار مشبه و مستعارمنه واقع شده است که در ۷ مورد مشبه‌به مشابه است مثلاً در شعر نگین تاجی:

دل بیچاره بلال تیت وایه گلم تشنه‌ی تشک زلال تیت وایه گلم

در شعر انصاری:

تهر او جو بج و من سالل بی بارشتی بلغش ار پرزسه و سوزه بلال دل مو

هر دو شاعر « دل » را به بلال تشبیه کرده‌اند.

در شعر نگین تاجی:

کوگ دل ، بال و پری تا دم دالون بگره باغچی عشق تو ، بو، لیلی و مجنون بگره

در شعر انصاری:

سی دیدن گل ، جی گوگ مهسی من تنگ سینم ، دل بیقرار

در شعر هر دو شاعر «دل» را به کوگ تشبیه کرده‌اند منتهی با وجه شبه متفاوت، نگین تاج خصوصیت «پرواز کردن» و انصاری « بیقرار بودن» کوگ را مد نظر داشته است.

در شعر نگین تاجی:

چته چن سال و فکر مو و حالم نیسی؟ فکر بنگشت دل بی پر و بالم نیسی؟

در شعر انصاری:

صبر ایوب ندارم که دلم کوه نگره دل مو چی دل بنگشته و کم حوصله

دو شاعر دل را به (گنجشک) تشبیه کرده‌اند ولی نگین تاجی به صورت اضافه تشبیهی با وجه شبه « ناتوان بودن» و انصاری بصورت مرسل مفصل با وجه شبه « کم حوصله بودن».

در شعر نگین تاجی:

نیخوم که ورسُم سر پا ، درد تو خویه

در شعر انصاری:

رُمبسه اول بازی کِل هفسنگ دلم

دو شاعر دل را به کل تشبیه کرده‌اند منتهی انصاری به کل هفسنگ و نگین تاجی به کل، کل برد که هر دو بازی محلی در منطقه نورآباد است، وجه شبه در بیت نگین تاجی «ضربه وارد شدن» و تشبیه بصورت مرسل مجمل و در بیت انصاری بصورت اضافه تشبیهی با وجه شبه « افتادن » است .

در شعر نگین تاجی:

من ای ده حونه‌ی دل بردبرده

در شعر انصاری:

زلزلی عشق تو حونی دلمه رُمنا نازلی

در هر دو مورد با اضافه تشبیهی دل به خونه تشبیه شده است.

در شع نگین تاجی:

چه دردی بی که دریایی دلت تش زه

در شعر انصاری:

دلت دریا تیت چی آسمونه

دل را به دریا تشبیه کرده‌اند با این تفاوت که تشبیه نگین تاجی بصورت اضافه تشبیهی و انصاری بصورت بلیغ غیر اضافی است.

در شعر نگین تاجی:

بگو بندیر چه ویسایه دل دَر و دَرِت

در شعر انصاری:

تو که مهث دل مُو در و درِی تا برویم

در هر دو بیت دل مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف « در و در » است

نمونه‌ای از تشبیهات نگین تاجی که دل مشبه بودن است:

دلم تُوسون، تیم فصلِ تِغرسه

وَرِی سینم شِری خین سایه بهسه

شاعر دل خود را به فصل تابستان تشبیه کرده است به خاطر اینکه دلش مثل فصل تابستان خشک و سوزان است. چشمان خود را به فصل تغرس ( زمستان) تشبیه کرده است و می گوید آبشار خون مثل درختی که سایه بندازد بر دلم سایه انداخته است.

بگو بندی چه ویسایه دل داغ دلت؟  
آخو تا کی بزنی برد و من باغ دلت  
دل مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف « داغ دل» است. و بخاطر آوردن دل بعنوان ملائمه استعاره بسیار زیباست.

تو من شعر دلم چشم چشمه‌ی زلالی  
مو و صفت نیترم؛ یعنی محالی  
شاعر دل را به شعر تشبیه کرده است وجه شبه ممکن است در، در عمق قرار داشتن دل و اینکه شعر هم از درون و عمق دل تراوش می کند.

زمهسون رَهته وُ گل کِرده میخک  
دل ایما بی دِلت با خرده من یک  
دل مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف « با خردن» یعنی پیچیدن است شاعر دل را به چیزی که قابل پیچیدن در هم باشد تشبیه کرده است.

نمونه‌ای از تشبیهات انصاری فهلپانی که دل مشبه بودن است:

نی چشمه مُرغ دِلت ، هیچ لَتی نی زنه پَر  
مُو دلم خَرده گِرندی قَد زُلف دَدَه گل  
شاعر دل(مستعارله) را به چیزی که قابل گره زدن باشد تشبیه کرده است.  
وَر دل خوبو سرکت خشک خشکناایده  
کهره‌ی دل گشنشاییده، مَشیلِم کوچنی؟  
شاعر دل را به کهره(بز کوچک) تشبیه کرده است

سی گُه مِث هیمه‌ی اُ خرده‌ی بید دل مُو  
ایرِوه من تیلِم هر دَقَه دید دل مُو  
شاعر در این بیت یک بار دل را به بید تشبیه میکند و سپس بید دل را به همه‌ی اُ خرده تشبیه میکند  
نُونُم اصلا کینَم گِرد حواسُم پَرته  
عینهو ماهی زهری شو وُ رو مَنگ دُلم

دل در مَنگ بودن به ماهی مسموم شده تشبیه کرده اند

دَ نِلِشْتِن دُغالی دور اوشی دِل بَمونه  
لَتی جوَنُم و من ای فِر بَجک وابی هَلیهو  
تشبیه دل به اوشا (محوطه‌ای که داخل آن سبزیجات یا صیفی جات می کاشتند و یا گله وگوسفند نگه می داشتند و برای محافظت از آن دور آن دیواری با خار و خاشاک «دغال» می ساختند) و تشبیه جون به لته ( مزرعه‌ی خربزه خیار و کدو).

دو تا بُرگ تو کِرِدِن قصد جوَنُم  
دل بی حاصل مُو داس نی خواس  
در این بیت شاعر ابروهای یار را به کمانی که قصد جاننش دارد تشبیه کرده و سپس به داس تشبیه کرده و دل

خود را مزرعه‌ای بی ثمر دانسته‌است که نیاز به داس ندارد.

تیل کال تو ایمون منه بُرناده  
چی اویی چار غل ایجوشه دلم ایزنه غل  
شاعر دل خود را در ببقار بودن به آب جوشی که چهار غل می‌جوشد تشبیه کرده‌است.  
چی بلی سرمازده ایپسه من سرمی عمت او دلی که تی دلت خَش کرده بی جا نازلی  
شاعر دلی که گرفتار عشق یار است را مانند بلوطی که در سرما می‌پوسد دانسته‌است.  
ایخو که خَهک قَد پی تو نچسپه یه ولی  
مِث سایه اگر اُفتاسیه و زِر پا دل مو  
شاعر دل خود را به سایه‌ای که زیر پای معشوق افتاده تشبیه کرده‌است.  
آخه دال شوک و شوپر من صَفِن سی فاتحه  
آرنجُمبی خَرده ویو وی زلی حلوی دلم  
«دل» مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «حلو» است.

ای دِل مِث چُپونه تم مهت شَهازی  
از بس جِکِس و دینت پایل چُپون گرفته  
شاعر دل خود که مشتاق معشوق است به چوپان و معشوق را به شهاز (قوچی که سر دسته گله است) که  
چوپان نمی‌خواهد آن را از دست بدهد به معشوق تشبیه کرد است ضمناً این تشبیه دارای رنگ محلی است.  
دل مو پازن بر خردیه، باب دِلته  
جون مو کِلغهی تَج رُندی قاب دلته  
شاعر دل خود را به پازن سنگ خورده تشبیه کرده پازن (آهو) است که در نورآباد برای شکار آن به کوه می  
رفتند و این تشبیه نیز تا حدودی از رنگ محلی برخوردار است. و دل را نیز به قاب تشبیه کرده‌است. شو  
کش ایخونه و چی چاک بیابون چوهل  
چاله‌ی چو شَخن آبیده چال دل مو  
شاعر دل خود را به چال پرنده تشبیه کرده که چوب در آن فرو برده باشند و خرابش کرده باشند و در منطقه  
نورآباد چون پرندگان زیادی وجود داشته‌است بعضی اوقات لانه‌ی پرندگان بدین طریق توسط کودکان خراب  
می‌شد.

داس آنبو  
بلبل عاشق خَره تاس آنبو  
تشبیه دل به  
اوشم (اویشن).

قبل تو نه بیده جواب خَششون  
هرکسی که اومده بی بهله برون دل مو  
مستعارله «دل» و ملائمه‌ی مستعارمنه «بهله برون» است و مستعارمنه محذوف می‌تواند عروس باشد.

رنگ نیبازه که هر لحظه یه رنگی بگره  
کهره‌ی نارکِ دل نارکه بُور آنیبو  
نارک: (بزی که دست و پا و مقداری از صورت آن قرمز باشد) شاعر دل خود را به بز نارک تشبیه کرده‌است  
مندال دل گرگ غم حمله برد  
سرچشمه کوگ دری تشنه مُرد  
دل به مندال «بره و کهره میش و بز گله را گویند» (حسینی بویراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۵۲)



تشبیه شده است.

در شعر نگین تاجی ۱۵ بار و در شعر انصاری ۱۳ بار چشم مشبه بوده و در ۲ مورد مشبه به مشابه و در بقیه موارد متفاوت بوده اند مثل:

در شعر نگین تاجی:

کلوم کردی نپرسیدی و حالَم      وری تاوهی تیت کردی بلالم

در شعر انصاری:

جگری کو نبریزه سر تاوهی تیلت      کو دلی که بتره ویسه نهی تیر غمت

هر دو شاعر چشم(تیه) را با وجه شبه مشابه بصورت اضافه تشبیهی به تاوه(تاوهی نان پزی که از آهن و روی درست می کنند) تشبیه کرده اند.

در شعر نگین تاجی:

اسیر تیر مرزنگ تیلتم      گرفتار پل و مار میلتم

در شعر انصاری:

زدی بی تیر مرزنگت شکالم کردی      تش انداختی زر جونم بلالم کردی

هر دو شاعر مژه های محبوب را به تیر بصورت اضافه تشبیهی تشبیه کرده اند.

نگین تاجی:

نفسی بی تو نویسا که سر راس گنم      طوم انگور تیی کالته احساس گنم

انصاری فهلیانی:

انگور کله سهیه هنی کال تیل تو      شیشی عرق کشمش چن ساله تیل تو

نگین تاجی با اضافه تشبیهی چشمان معشوق را به انگور و انصاری با تشبیه بلیغ غیر اضافی به انگور کله سه تشبیه کرده است. کله سه نام منطقه ای است.

نمونه ای چند از تشبیه هایی که مشبه چشم است در شعر نگین تاجی:

تیل کالت دوتا کاسه ی عسل      کمون بُرگلت ضرب المثل بی

شاعر چشمان یار را به دو کاسه ی عسل تشبیه کرده است. وجه شبه قدرت انعکاس و رنگارنگی است.

تا تو بیدی پهلونی مٹ بیژن بی گنه      بی دوتا چشم منیژه صد چراغ ایبرد و چه

شاعر چشمان منیژه را در روشنایی دادن به چراغ تشبیه کرده است.

دل بیچاره بلال تیت وایه گلم      تشنه ی تشک زلال تیت وایه گلم

چشم(تیه) مستعارله است و مستعارمنه محذوف آفتاب است و ملائمه اش تشک (اشعه ی خورشید) است.

لیلی ایل دل وایی و کال تیلیم  
 کهره‌ی قربونی کال تیت واییه گلم  
 شاعر چشمان خود را به کهره (بز) که قربانی می‌کنند تشبیه کرده است.

تو که کال تیت کهللی شیکاله  
 تو که رنگ پلت خرما‌ی خیاله  
 در قدیم برای شکار آهو سنگر ایجاد می‌کردند و در گویش لری به آن کهله می‌گفتند شاعر چشمان معشوق را به کهله تشبیه کرده است

تَش وُ تَنگ تیت وِ رَشُشته شومه  
 خرنگ سرخ لوته، سخته بومه  
 شاعر چشمان یار را به خاطر اینکه روشنایی بخش است به تش و تنگ (آتش) تشبیه کرده است

قد و بالات و اوایلا لیلی  
 تیت تفسیر ماشالایه لیلی  
 چشمان معشوق را به خاطر زیبا بودن به تفسیر « ماشا الله » تشبیه کرده است.

دوباره خینَ خرسلَ مُردَمَ افتا  
 تیی سییت و دَهس آیم اُفتا  
 شاعر چشمان معشوق را به سیب تشبیه کرده و یادآوردستان بیرون راندن آدم و حوا از بهشت است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه چشم است در شعر انصاری فهلیانی:  
 اژدها نَ دِکَل ایکنه کاوه‌ی تیلت  
 شور فرهاد شَر وِیبو و شیرینی عشقت  
 شاعر تیه (چشم) را به کاوه (قوچ یک ساله) تشبیه کرده که اژدها و کاوه به کاوه‌ی آهنگر و ماره‌یی که بر دوش ضحاک بودند، اشاره دارد

چَن شویه لُک و تيم نيره و داغ تيلت  
 دلمه ره بده امشو مین باغ تيلت  
 شاعر چشمان معشوق را به باغ تشبیه کرده است.

قد و بالای تو انگار سرو نازه  
 تيلت انگا دو تا ده تير روسی  
 شاعر چشمان معشوق را به دو ده تیر روسی تشبیه کرده است عدد ده و دو در کنار هم علاوه بر جناس مراعات نظیر نیز ایجاد کرده است

وَمِنْ هِر گوشه صدتا کشته داری  
 تیت عثمانی و برگ تو برنو  
 شاعر چشمان یار که عاشقان را هدف می‌گیرد را به تفنگ عثمانی که خوب تیر اندازی می‌کند تشبیه می‌کند.

تیللت اینگا دو بیتی شُسته رُفته  
 خُت اینگاری گُلی تازه شکفته  
 شاعر چشمان معشوق را در شسته و رفته بودن به قالب دوییتی تشبیه کرده است.

تیل مَهس تو گیراتر اُو انگوره  
 هر چه خواسی و دلم کِردی گفתי توره  
 چشمان معشوق را گیراتر از آب انگور (شراب) می‌داند.

در شعر انصاری فهلیانی ۶ بار ابروی محبوب مشبه و مستعارمنه و در شعر نگین تاجی ۲ بار و در هیچ موردی مشبه‌به مشابه نداشته‌اند.

در شعر نگین تاجی به کمان و شمشیر و در شعر انصاری به طاق کسرا، کمند، برنو، برنو کوتاه و آسمون تشبیه شده است. که تشبیه به شمشیر در شعر نگین تاجی بدیع است:

مُو طاقَت نیارم دیرتِ آبوم      صدقی بُرگ مثل شمشیرتِ آبوم

و تشبیه به برنو و برنوی کوتاه رنگ محلی دارد و تشبیه به آسمون در شعر انصاری فهلیانی بدیع به شمار می‌رود:

دوتا بُرگتِ دوتا برنوی کوتاه      تیل کالت یه دنیا رمز و رازه

دو بُرگش بگم چی دو تا اصل بی      دوتا آسمون و یک وصله

در شعر نگین تاجی ۵ بار زلف و در شعر انصاری فهلیانی ۱۲ بار مشبه قرار گرفته است نگین تاجی به

زنجیل «زنجیر»، «شب»، «مار»، «خرما» و «دار» و در شعر انصاری فهلیانی به «بافه‌ی اوریشم»، «شب»، «اژدها» و «سبزه» و ۳ مورد مشبه‌به تقریباً مشابه است:

نگین تاجی:

تَش زِی دلم تشنه اوریز تیلتم      پا بهسه زنجیل پِل وُ مار میلتم

انصاری:

اژدهی زلف تو پایچ دلم وایده      عشق پاکت چَمک زِر چَلَم وایده

متعجب ساختن و حیرت آفریدن یکی از ویژگی‌های عمده‌ی تشبیه است و تشبیه هنگامی که با اغراق همراه باشد بی‌گمان زیباتر و جذاب‌تر خواهد بود. مشبه‌به تشبیه انصاری «اژدها» حیرت آورتر از مشبه‌به نگین تاجی «مار» است.

نگین تاجی:

قد و بالاتِ برنوتر و برنو      شلالِ پهلالتِ شوتر و شو

انصاری:

شو تی سر و زلف تو هنی ام تهر پَسینه      وختی درایی ماه و بن حونه نشینه

نگین تاجی:

دوتا وُرمه‌ی پلتِ مِث دار و نامه      و هر جا ایروم سایت نَهامه

در قدیم رسم بوده زنان لر در منطقه نورآباد ممسنی موهای خود را دوتا گیس می‌کردند و به هم وصل می‌کردند و «وُرمه» هم طناب ضخیم و بلند بوده که بار شتر و قاطر و الاغ را به اصطلاح تنگ می‌زنند و می‌پیچند،

شاعر ابتدا پل یار را به ورمه و سپس ورمه‌ی پل را به طناب دار که شاعر در اینجا به علاقه‌ی کلیت دار را آورده است.

انصاری:

چَقَد دَلَم اِیخو که مِن وُرْمِ پِلَت با خَرْمِ      بُورِی دَسْت مِن مِیت یَدُو جا بخرُم  
پل به ورم تشبیه شده است.

نگین تاجی گیسوان یار را سیاه‌تر از شب می داند ولی انصاری رنگ شب را در برابر رنگ زلف یار به رنگ هوا نزدیک غروب می‌داند. اغراق در تشبیه انصاری خیلی بیشتر از تشبیه انصاری است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه مو است در شعر نگین تاجی:

پِلَت خَرْمای تَره، خَرْما کَلوشه      رِطَب تی لُوِیلت خَارک فروشه

شاعر ابتدا گیسوی محبوب را در رنگش به خرما تشبیه می‌کند و سپس خرما را دیوانه‌ی آن می‌داند و در حقیقت شاعر با تشبیه تفضیل گیسوان یار را در رنگش زیباتر از خرما می‌داند.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه مو است در شعر انصاری فهلیانی:

صَد بافه‌ی اوریشم تو دادیه زُلفت      پیچیدیه اَمّا وَ نَظر سادیه زلفت

شاعر در این بیت زلف معشوق را به صد بافه‌ی آویشن که در هم پیچیده شده تشبیه کرده است و آویشن گیاهی است که در مناطق سردسیر در کوه‌های زاگرس می‌روید. پیچیده بودن اَمّا به نظر ساده آمدن ممکن است به ویژگی سهل و ممتنع شعر خود اشاره داشته باشد.

زلف تو با خَرده وَ مِث شُو وَ یک      نیده وَ رنگِ تیت اصلا فلک

شاعر در این بیت ابتدا شب را استعاره از چیزی که در هم پیچیده باشد، و سپس زلف معشوق را به خاطر اینکه در هم پیچیده به شب تشبیه کرده است.

در شعر نگین تاجی ۲ بار لب مشبه بوده و در شعر انصاری فهلیانی ۶ بار مشبه بوده است که در ۲ مورد تقریباً مشبه‌به مشابه است:

نگین تاجی :

تَش وَ تَنگ تیت وَ رَشُشْتِه شُومه      خُرَنگ سُرُخ لُو تو، سَخْتِه بُوومه

انصاری فهلیانی:

خُرَنگ سُرُخ لُوِیل کاغذیه آرزومه      مَث آفتو پرست وایه‌مند تشک افتو

انصاری در توصیف لبان معشوق موفق‌تر از نگین تاجی است هر دو شاعر لب را به خرنگ سرخ تشبیه کرده‌اند ولی انصاری جنس لب معشوق را از کاغذدانسته و تضادی بین کاغذ و خرنگ است که به زیبایی شعر کمک کرده است.

نگین تاجی:

پلت خرمای تر، خرما کَلوشه  
رطب تی لویلت، خارک فروشه  
انصاری فهلیانی:

هیکلّت خارکِ قندی و لوت پنگِ رطب  
دار مخ صافه جه سازم مو که بی پروندم

هر دو شاعر شیرینی لب یار را با تشبیه به رطب به تصویر کشیده‌اند با توجه به اینکه در منطقه شایبر نورآباد نخلستان‌های بسیلریست این تشبیه از رنگ محلی برخوردار است. نگین تاجی رطب را در برابر لب یار خارک فروش می‌داند و با تشبیه تفضیل تشبیه خود را اغراق آمیز کرده است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه لب است در شعر انصاری فهلیانی:

اناب لُوته ایگن کشته سی مو  
کلو بازی نه ایگن زشته سی مو

لب را در سرخی به اناب تشبیه کرده است.

لُویل سُرخت مثل چالی تَشه  
تَشتِ عسل، نُونه گُنَج مَشه

لب را در سرخی به آتش تشبیه کرده است

نیسی من سر مو هوی جز هوات  
تی لویلت دونه حنّاقه نبات

انصاری نبات را در مقایسه با شیرینی لب یار دون حنّاق که بسیار تلخ است می‌داند اغراق در تشبیه به نهایت رسانده است.

در شعر انصاری فهلیانی غم ۲۵ بار مشبه یا مستعارله و در شعر نگین تاجی بار قرار گرفته است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه غم است در شعر نگین تاجی:

قلم اُررکشی شعرم تر آبی  
وَز نو غم بی دلم دالنجَر آبی

غم مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف دالنجَر شدن (درگیر شدن) است.

تَغرس غم ای سامون گرته

شاعر غم را به تغرس (تگرگ) تشبیه کرده است.

غم آورده مین ای دل حونه کَرده  
دَ نیسازه زمین بی حال زارم

غم مستعار له و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف حونه(خونه) کردن است.

ورششتمه مین یک غم دیریت  
خُو نامه وری گل، رُمّنامه غم دیریت

غم مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «رنامه و ورششتمه»

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه غم است در شعر انصاری فهلپانی:

مٲ ماگی گورِش مردَه چنه بوره زدن      گنده‌ی غم و بغل کردن و هی کوره زدن

غم را به کنده (چوب ضخیم و سنگین) تشبیه کرده در این تشبیه نیز رنگ محلی دیده می شود.

من لگدری غم دهمس و پامون گیر کرده      بامون لج اُفتاسه سِرو وُ گاله وُ هو

شاعر غم را لگدره (ساقه‌ی برنج بعد از درو کردن است) که در اینجا مجاز از زمین شلتوک کاری است. تشبیه کرده است.

زیر افتو خشی خَش نکه جا دل نه خشم      آخو باروفه‌ی غم نیده مجالی چه کنم؟

شاعر غم را به باروفه (باد و باران) تشبیه کرده است.

طیفون زردی اُمشو مین سینه‌ام جون گرفته      از نو دل غریبم رنگ خزون گرفته

طیفون زرد استعاره از غم است و خزون هم استعاره از غم است و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف «سینه» است.

نهاده فلک طول ماتم و رَس      که رشمیز غم ریشه ز تا ترَس

شاعر غم را به رشمیز (نوعی حشره است) تشبیه کرده است.

بلبل مهس مَلوسم تو چه دونی الان      پیچسه بی تو و مین کیچه‌ی دل هوفه‌ی غم

شاعر غم را به هوفه (صدای باد) تشبیه کرده است.

درده پهلیم غمت چی دشنه و سیزن دلیل      ادعی پیغمبری دارم، دلیلم کوچنی؟

شاعر غم را به دشنه و سوزن دلیل تشبیه کرده است و وجه شبه پاره کردن است.

در شعر هر دو شاعر در موارد بسیاری معشوق مشبه و مستعارله واقع شده است. در شعر انصاری ۳۰ بار و در شعر نگین تاجی ۲۵ با معشوق مشبه و مستعارله واقع شده است.

نگین تاجی معشوق را به (لیلی، غنچه‌هایی لاله، شراب، شکوه بیستون، گل هفزرده، ستاره‌ی شوسهون، ستین عشق هفتا آسمون، غزال، غرورقله‌های سربلندی، شرارآتش زرتشت و زندگی، حرمت دیرینه‌ی عشق، قشنگ سینه ریز سینه‌ی عشق، گل میخک، گل، تیه، بلبل سرحد نشین گرمسیری و...)

تو که هیکل یلون ایل شعری      گل هفزرده‌ی زمبیل شعری

گل هفزرده مستعارمنه و ملائمه‌ی مستعارله محذوف «تو» است.

کجایی حرمت دیرینه‌ی عشق      قشنگ سینه‌ریز سینه‌ی عشق

«حرمت دیرینه‌ی عشق» و «قشنگ سینه‌ریز سینه‌ی عشق» مستعارمنه و ملائمه‌ی مستعارله محذوف «کجایی» است که در عبارت قشنگ سینه ریز با جابجایی جای صفت و موصوف بر بار معنایی صفت قشنگ افزوده است.

قشنگ غنچه‌های لاله‌ای تو شراب شوخ هژده ساله‌ای تو  
شاعر معشوق را به « قشنگ غنچه‌های لاله » و « شراب شوخ هژده ساله » تشبیه کرده است لازم به ذکر است که یکی از ویژگی‌های شعر نگین تاجی بکار بردن اضافه وصفی مقلوب است چنانچه در عبارت «قشنگ غنچه‌ها» صفت را ابتدا آورده است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه معشوق است در شعر انصاری فهلیانی:  
شاعر معشوق را به (گل، گل بالا بلند، پازن سر توال، نور تیه، گل هفزرده، تشک خَش روز، لیلی، شاه متیل، بافی چویل، خنده‌ی اوریشم، تفنگ خَش زن و خَش دهس، مشیل، چشمه، عقاب، گل گرمسیری، شاهین و شوکت شهر خیال و ....) تشبیه کرده است و بیشترین تعداد «گل هفزرده» دارد، در زیر به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

ای گل هفزرده قرار دلم ای همه‌ی دار و ندار دلم  
گل هفزرده مستعار منه ملائمه‌ی مستعارله محذوف «ای» است.

ای امید پازن و آهو غوچ و بزکھی شیرهی جاشیرک و جون خسیلم کوچنی؟  
«شیره‌ی جاشیرل و جون خسیل» خسیل (زمینی را که کاملاً آماده کرده و کود می‌دهند و بعد جو می‌کارند سریع بلند می‌شود و به مصرف اسب و سایر احشام می‌رسد) جاشیر(علوفه‌ای معطر مخصوص خوراک حیوانات اهلی و وحشی) مستعارمنه و ملائمه‌ی مستعارله محذوف «کوچنی» است

تشک خَش روزی وُ بی کینه‌یی هم نفس سوزی وُ باوینه‌یی  
شاعر معشوق را به تشک روز تشبیه کرده است و روز مجاز از خورشید است و تشک یعنی اشعه‌ی خورشید.  
وَر دِل خوبو سرکت خشک خشکنابیده کهره‌ی دل گُشنشایدِه، مَشیلم کوچنی؟  
شاعر دل را به کهره تشبیه کرده است مشیل به معنی علفزار مستعار منه و ملائمه‌ی مستعار له محذوف «کوچنی» است.

اگه یاد تو نبو وییم صحری برهوت تو بیو چشمه که لُو تشنه نمونه دِل مو  
چشمه مستعارمنه و ملائمه‌ی مستعارله «دل» است.

ایل جونم تش گِرُفته جون ایلم کوچنی بُهرسُم زَر بار غم شاه متیلم کوچنی؟  
شاه متیل مستعارمنه از معشوق است.

در شعر انصاری ۱۶ بار عشق و در شعر نگین تاجی ۷ بار مشبه واقع شده است که مشبه‌به مشابه نیست مشبه‌به-ها و مستعارمنه(تش، جل، کپر، تیر، پشته، چمک، کموتر، خلمر، تاوه، کاوه، قافله، غل و زنجیر، غم، زلزله، خرمن و بازی) است.

نمونه‌ای چند از تشبیه‌هایی که مشبه عشق است در شعر انصاری فهلیانی:

تپته زُر مَدَه و بُرگتَه مَن یک مَبِه سیم  
شاعر عشق را به خرمن تشبیه کرده است.

بونه مگر کاوه ی عشقت برشت  
شاعر عشق را به کاوه و تاوه تشبیه کرده است که هر دو مشبهه از رنگ محلی برخوردار است.  
دل مُو سر تاوه ی عَشِقَتِ برشت  
گشته‌یم کشته مرزنگ تو زر پُشته‌ی عشق  
زنده ایمونه و نی میره و تَه گشته‌ی عشق  
شاعر عشق را به پشته تشبیه کرده است که باز در این تشبیه رنگ محلی موج می‌زند.  
تَش بنه تش زیر جُل عشق گل بهسیده پَل  
پیچسه ساز و دُهل تا بخی مَن مال گُل  
شاعر عشق را به جُل تشبیه کرده است، جل پوشش اسب است.

و در شعر نگین تاجی مشبهه و مستعارمنه (انسان، مرغ، چویل، باغچه، درخت)  
درخت سوزه عشقمون که دم تَوَرِ جونس گِرُه  
تجهی دوباره ایزنه میوه‌ی بسیار ایکنه  
شاعر عشق را به درخت سبز تشبیه کرده است.

کوگ دل ، بال و پری تا دم دالون بگره  
باغچی عشق تو ، بو، لیلی و مجنون بگره  
عشق را به باغچه تشبیه کرده است.

عشق ایخندس و موج ایزه زر سایه‌ی نار  
زمسون دَهس گُمش نرگس ایدا و بهار  
عشق مستعارله و ملائمه‌ی مستعارمنه محذوف خندیدن «ایخندس».

با بررسی همه‌ی مشبهه‌ها و مستعارمنه‌های شعر دو شاعر مذکور بدین نتیجه رسیده‌ایم مشبهه‌هایی (تربه، کله، رمیز و وُرد) که از رنگ محلی برخوردار است در شعر نگین تاجی هست و در شعر انصاری فهلیانی وجود ندارد و مشبهه‌هایی چون (چلوس، هیمه‌ی اُخرده، ماگی، خسیل، کومه، کهره‌ی کرچال، کهره‌ی نارک، مَخ، بافه، اسپ کهر، تُنگ تر، رَمَلک، کهریز، بلی، بلی سرمازده، اوریشم، مشیل، بره، خَرزَهله، اوشا، لته، چرنگ، تویزه، لگدره، مندال، بافه، شهاز، چوپان، ریشه‌ی بکلو، خلمر، ششپیر، کاوه) که دارای رنگ محلی است در شعر انصاری فهلیانی است و در شعر نگین تاجی وجود ندارد، چون هر دو شاعر در منطقه و زمان مشترک زندگی می‌کنند و تحت تاثیر فرهنگ مشترکی هستند بعضی از مشبهه‌هایی که مختص منطقه‌ی بومی ایشان می‌باشد در شعر هر دو وجود دارد مثل: (چویل، کهره، تاوه، بلال، تَش و تُنگ، خُرنگ، تغرس، کوگ، ورمه، رطب و خارک) و بسامد (چویل، تاوه، کوگ، بلال، خُرنگ، تَش و تُنگ و کهره) در شعر انصاری فهلیانی و بسامد (تغرس، رطب و خارک) در شعر نگین تاجی بیشتر است. همانطور که می‌بینیم انصاری در پرداخت تشبیهات و استعارات اشعار بومی خود از ذهنیت بومی بیشتری برخوردار است هر چند معیار ما در این بررسی اصول مربوط به بومی سرایی



است و شعری که به گویش لری است متقابلاً ذهنیت لری می‌طلبد ولی لازم به ذکر است که تصاویر بلاغی مربوط به تشبیهات و استعاراتی که در حیطه فارسی معیار است در اشعار نگین تاجی بسیار قوی است.  
نتیجه گیری:

در اشعار لری انصاری فهلیانی ۲۸۱ تشبیه (بدون در نظر گرفتن تشبیهات تکراری) یافته‌ایم که ۱۳۵ تشبیه حسی به حسی، ۱۴۵ تشبیه عقلی به حسی، ۱ تشبیه عقلی به عقلی، ۶۹ تشبیه مقید به مقید، ۹۸ تشبیه مفرد به مفرد، ۲۳ تشبیه مرکب به مرکب، ۴۴ تشبیه مقید به مقید، ۴۵ تشبیه مفرد به مقید، ۱ تشبیه مقید به مفرد، ۱ تشبیه مفرد به مرکب، ۶ تشبیه تفضیل، ۱۰۸ اضافه تشبیهی، ۷۶ تشبیه بلیغ غیر اضافی، ۶۰ تشبیه مرسل مجمل، ۳۶ تشبیه مرسل مفصل و ۱ تشبیه موکد است.

با بررسی دقیق اشعار لری نگین تاجی ۱۲۹ تشبیه (بدون در نظر گرفتن تشبیهات تکراری) یافته‌ایم که ۳۸ مفرد محسوس به مفرد محسوس، ۴۷ مفرد معقول به مفرد محسوس، ۴ مقید معقول به مفرد محسوس، ۴ مفرد محسوس به مقید محسوس، ۴ مقید محسوس به مفرد محسوس، ۵ مفرد معقول به مفرد محسوس، ۱ مفرد معقول به مفرد معقول، ۲ مقید محسوس به مقید محسوس، ۳ مفرد محسوس به مفرد معقول، ۲ مقید معقول به مقید معقول، ۳ تشبیه مرسل مجمل، ۵۳ تشبیه بلیغ غیر اضافی، ۶۵ اضافه تشبیهی و ۷ تشبیه تفضیل.

با وجود اینکه اشعار نگین تاجی دارای تشبیهات و استعارات بکری است اما تشبیهات غریب محلی که متاثر از زنگی عشایریست در شعر انصاری بیشتر است و رنگ محیط و منطقه‌ی نورآباد ممسنی در شعر انصاری بیشتر موج می‌زند.

اشعار لری انصاری فهلیانی در حیطه‌ی ادبیات بومی دارای تشبیهات و استعارات بدیع است.

فهرست منابع و مآخذ:

۱- جرجانی، عبدالقاهر، اسرارالبلاغه، ۱۳۷۰.

۲- حسینی بویراحمدی، سیدابوالحسن، فرهنگ لغات و اصطلاحات لری، انتشارات فاطمیّه، یاسوج، ۱۳۸۱.

۳- رجایی، محمد خلیل، معالم الباغه در علم معانی، بیان، بدیع، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۹.

۴- شمیسا، سیروس، بیان، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۹.

5- [www.gomnam113.blogfa.com](http://www.gomnam113.blogfa.com)

6- [www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa](http://www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa)

7- [www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa](http://www.loor.ir/news.asp?nid=1617&fa)

Email: [soodabehkhshavarzi@yahoo.com](mailto:soodabehkhshavarzi@yahoo.com).

